

سرمقاله

قانون برساننده خشونت



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

جامعه‌شناسی و اقتصاد، علوم بازشناسی پیامدهای ثانویه هستند؛ علوم مطالعه و شناخت اثرات دستورالعمل‌ها، قوانین و سیاست‌ها در بلندمدت. نه‌تنها اثرات اولیه باید واریسی شوند، بلکه باید پیامدهای ثانویه و بلندمدت دستورالعمل‌ها و قوانین را هم پی گرفت. اما قوانین و سیاست‌ها چگونه می‌تواند برساننده خشونت باشد، هرچند به شکلی غیرمستقیم و بدون اینکه واضعان آن نیت افزایش خشونت داشته باشند. حتی گاهی می‌تواند به شکل غیرمستقیم منجر به مرگ افراد شود. بسیار شنیده می‌شود که تلفن همراه ابل به‌منایه یک نشانه است که ممکن است دارنده آن مورد خشونت واقع شود و چه‌بسا جان خود را از دست بدهد. گوشی‌ای که گاه قیمت آن تا نزدیک ۲۰۰ میلیون تومان هم می‌رسد. وقتی دختر و پسر جوانی وسیله و ابزار کوچک با قیمت بالایی در دست دارند، ممکن است مورد تعقیب و حمله سارقان قرار گیرند؛ در مواردی نیز اگر دارنده تلفن اندک مقاومتی کند، ممکن است آسیب‌هایی جدی ببیند یا حتی جان خود را نیز از دست بدهد. از منظر روان‌شناسی، سرقت‌های خشن نشان می‌دهد سارق روانی و دارای مشکلات روحی است. گفته می‌شود بیش از ۳۰ درصد جمعیت دارای اختلال‌های روانی هستند، اما این به آن معنا نیست که همه آنان سارق‌اند. گاهی گفته می‌شود احساس نابرابری در میان افراد باعث ایجاد چنین وقایع تلخی می‌شود؛ یعنی طمع برای دزدی ولو با ضربه‌زدن به دارنده گوشی گران‌قیمت. بر اساس این دیدگاه، کسی که می‌بیند نمی‌تواند معیشت خود را تأمین کند یا می‌بیند جوان کم‌سن‌وسال گوشی گران‌قیمتی دارد، می‌پندارد که او از رفاه بالایی برخوردار است و چرا من ندارم. از نظر او، چنین جوانی که درآمد و وضعیت مالی خوبی دارد، به راحتی می‌تواند گوشی دیگری تهیه کند.

یادداشت

هزاران الهه



سیدفریدموسوی

نماینده مراغه و عجب‌شیر در مجلس شورای اسلامی

الهه حسین‌نژاد را نه از پشت تریبون دیدم، نه از قاب جلسات رسمی. او را مثل میلیون‌ها ایرانی دیگر، فقط وقتی دیدم که دیگر نبود. وقتی که نامش با بغض، از میان سطرهای تند یک خبر کوتاه بیرون زد: دختری جوان، جان‌باخته بر سر یک موبایل. این لحظه‌ها آشناست؛ لحظه‌هایی که وجدان عمومی بیدار می‌شود، فضای مجازی پر از خشم و اندوه می‌شود، ما مسئولان چند جمله تأثیربرانگیز می‌گوییم و سپس همه چیز به سکوتی دوباره فرومی‌رود. اما اگر سیاست‌گذاری ما فقط بعد از حادثه فعال می‌شود، آیا نمی‌توان گفت خود ساختار، در بازتولید این فجایع نقش دارد؟

الهه، فقط یک اسم نیست، بلکه نماد است؛ نماد همه دخترانی که پیش از قربانی‌شدن، دیده نشدند. نماد جامعه‌ای که هنوز در برابر خشونت -به‌ویژه خشونت روزمره، خیابانی و شخصی- ابزار کافی و پیش‌دستانه ندارد.

ما در سیاست‌گذاری عادت کرده‌ایم به واکنش، به اینکه بحران بیاید، بعد طرح بنویسیم. حادثه شود، بعد قانون را به یاد بیاوریم. اما سیاست‌گذاری مسئولانه، یعنی دیدن فریادهای خاموش، پیش از آنکه به فریاد تبدیل شوند، یعنی نجات انسان، پیش از آنکه نامش ترند شود.

الهه قربانی خشونت بود، اما خشونتی که او را گرفت، فقط از لبه جاقو نبامده بود. خشونت، در بی‌قانونی فضاهای شهری بود. در بی‌توجهی به تدوین سیاست‌ها و قوانینی که به جای مجازات پس از مرگ، امکان زندگی پیش از حادثه را بالا ببرند.

مجلس، در برابر این فاجعه‌ها مسئول است. مسئول است اگر قانون حمایت از زنان در برابر خشونت را سال‌ها در صف بررسی نگه می‌دارد.

دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۴ ۱۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۶
۹ ژوئن ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۲۹
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

در «شرق» امروز می‌خوانید: شکافی که واشنگتن را لرزاند؛ خط‌ونشان ترامپ برای ماسک • وزیر اطلاعات: موفق به دستیابی به اسناد راهبردی و اتمی اسرائیل شدیم • بیل اتکینسون، مهندس طراح اپل، درگذشت

مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به حملات رادیکال‌ها بیانیه صادر کرد:

دفاع از تصویب پالرمو

گزارش تیتربیک‌رادرفعه ۲ بخوانید



پرونده ای درباره راه پر پیچ و خم درمان در ایران

زیر تیغ درمان

علی جعفریان، جانشین وزیر بهداشت؛

جاره‌ای برای افزایش قیمت‌ها نداریم

در بیمارستان آموزشی تهران چه می‌گذرد؟

وقتی دندان پزشکان نگران هستند

سلامت زیر تیغ سیاست

سقوط به زیر خط درمان

بیمار: زیر تیغ گرانی

زخم درمان دولتی

یک قاب تجربه

اندوه بی پایان بر توقف توسعه و فقر تربیت اجتماعی



جلیل سازگارنژاد

است، حکایت از نپرداختن به جنبه مهم تربیت اجتماعی از سوی نهادهای ذ‌ربط و عدم توجه جدی دستگاه‌های آموزشی و تربیتی کشور به آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی دارد.

افزایش آمار خلاف و طلاق و ازهم‌گسستگی خانواده‌ها و ره‌اشدن فرزندان از نظارت‌های خانوادگی از دیگر عوامل در‌خور تأمل در وقوع تخلفات اجتماعی و بروز ناهنجاری‌های رفتاری محسوب می‌شود.

دوم. وزارت آموزش و پرورش که مهم‌ترین نقش را در تربیت نسل آینده کشور بر عهده دارد، باید در روش‌ها و متون تربیتی و آموزشی به صورت جدی و بنیادی تجدیدنظر کرده و به‌ویژه حوزه معاونت پرورشی، به جای روی آوردن به برنامه‌های شکلی و تبلیغی غیرمؤثر، اهتمام خود را مصروف انجام وظیفه اصلی یعنی تربیت فرهنگی و اجتماعی کند و با آشناسازی دانش‌آموزان با قوانین و مقررات و مسئولیت‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی، آنان را برای ایفای نقش مفید و مؤثر فردی و اجتماعی خود آماده کند. تربیت نسلی که

یادداشت

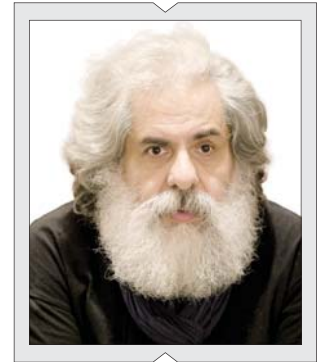
در حاشیه سفر غیررسمی دکتر پزشکیان به ارومیه



احسان هوشمند

در این روزها که کشور در شرایط حساسی قرار دارد و افزون پر چالش‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و محیط‌زیستی، در عرصه بین‌المللی نیز کشور درگیر مذاکرات حساسی با آمریکا است و در نتیجه براین‌د این شرایط حساس موجب التهاب در سطح ملی شده است، بیش از هر زمان دیگری حکمرانی کشور نیازمند تدبیر و مصلحت‌سنجی و دوراندیشی و ملی‌اندیشی و درنظرگرفتن مصالح جمعی و منافع ملی است. هر نوع اقدامی که در این شرایط حساس بتواند انسجام کشور یا بخش‌هایی از کشور را تحت تأثیر خود قرار دهد یا حتی بر نگرانی‌های موجود بیفزاید، نه‌تنها در خدمت منافع ملی نیست، بلکه می‌تواند پیامدهای

اعتمادسوز یا فرسایش سرمایه اجتماعی را به دنبال داشته باشد . این مهم به‌ویژه درباره برخی مناطق کشور بیش از هر زمان دیگر مهم است که دولت و حاکمیت در برنامه‌ها و اقدامات و رویکردهای خود بیش‌ازپیش باید مراقب باشد که به عاملی برای تحت تأثیر قراردادن انسجام و هم‌گرایی مبدل نشود. استان آذربایجان غربی یکی از راهبردی‌ترین استان‌های کشور است که در دو دهه گذشته شاهد رویدادهای حساسیت‌برانگیزی در حوزه‌های هویتی بوده است. البته این نکته در‌خورتوجه است که در تاریخ معاصر در این استان وقوع برخی رویدادهای حساس و گاه تنش‌آلود موجب شده تا رقابت‌های محلی پیچیده‌ای شکل گیرد. ورود جیلوهای آسوری به ایران در سال‌های نخستین سده مسیحی پیش و شورش‌ها و هرج‌ومرج‌های ناشی از آن که به دلیل دخالت دولت عثمانی و روسیه تزاری به قحطی و خون‌ریزی گسترده در این منطقه انجامید. اشغال شمال ایران به دست شوروی سابق و سپس هرج‌ومرج عشایری سال‌های نخست دهه ۲۰ خورشیدی در ارومیه و پس از آن تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان و جمهوری مهاباد طبق دستورالعمل استالین، رهبر شوروی سابق، و با کمک عوامل وابسته داخلی و نیز حملات گروهی از اهالی به آسوری‌ها به بهانه حمایت و همراهی آسوری‌ها با فرقه دموکرات آذربایجان و پیشه‌وری و نیز رویدادهای سال‌های نخست انقلاب در این منطقه که به جان‌باختن شماری از هم‌وطنان منجر شد، گوشه‌ای از تجارب این بخش از ایران ما است. حضور



گفت وگو با محمدر حمانیان

به بهانه همکاری با جشنواره تئاتر «صورتخانه»

تئاتر سال‌هاست که با

ضرورت‌های جامعه هیچ

نسبتی ندارد

برگزیده‌ها

ارزیابی ستاریهای واکنش تهران در برابر اقدامات ضدایرانی در نشست شورای حکام در گفت‌وگو با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه

آزمونی برای توازن دیپلماتیک

قصه کسب‌وکارهای زیر سایه محدودیت‌ها

کسب‌وکارهای اینستاگرامی قربانی خاموش فیلترینگ

درخواست نصف و به اضافه یک عضو شورا

برای توقف اجرای حکم خانه اندیشمندان

یک خانه، چند روایت؛ ورود با حکم، خروج با تردید

یادداشت

یک کشته و ۹۰ میلیون زخمی



غلامرضا نظربلند

تحلیلگر

قتل بانویی جوان و کشف جسد او بعد از گذشت چند روز، دل هر انسان آزاده‌ای را به درد آورد. در امر خبررسانی این فاجعه دردناک شوربختانه روایت واحدی در کار نبود و در چرایی آن هم تحلیل‌های گوناگونی ارائه شده و همچنان ارائه می‌شود. بعضی، عامل اقتصادی و مشخصاً تورم را متهم ردیف یک قلمداد کرده و بعضی دیگر فروکاست ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی را مقصر اصلی دانسته‌اند. افرادی نیز بی‌احتیاطی قربانی را مهم‌ترین عامل برشمرده‌اند. نگاه تک‌عاملی می‌تواند هرکدام از عوامل مزبور را موجد و موجب چنین جنایت فیزیعی بداند، اما اگر جامع‌نگری در کار باشد، که طبعاً باید باشد، همه آن عوامل و حتی عوامل دیگری می‌توانند در وقوع بزه ارتكایی نقش آفرین بوده باشد.

فقدان جامع‌نگری در نگاه تک‌عاملی، می‌تواند گمراه‌کننده و خطرناک باشد. اینکه «الهه را تورم کشت» از این قماش است. اگر ارتکاب قتل و جنایت را معلول تورم بدانیم، راه را برای توجیه هر عملی نیز هموار کرده‌ایم. بـا این توجیه تک‌عاملی، شتاب‌گرفتن تورم و تبدیل آن به ابرتورم می‌تواند سر را خائنانه‌ترین اقدام‌های ضدملی در یاریود که در آن صورت نه از تاک نشان بود و نه از تاک‌شان! بدیهی است که نقش مطلق قاتل‌شدن برای تک‌عاملی‌های دیگر مانند موضوع حجاب و عفاف هم به همان اندازه عاملیت مشکلات اقتصادی گمراه‌کننده است.

فاجعه موضوع پـردازش این یادداشت به قدری مصیبت‌بار است که نه‌تنه کسانی را که عنـریت تورم موجب برادر رفتن هستی‌شان شده، متأثر کرده بلکه حتی دهک‌های برخوردار را هم غمگین و داغدار کرده است. این همان کسانی هستند که اگر نگوییم تورم به آنها سر لطف دارد، می‌توانیم دست‌کم بگوییم تورم با آنها سر ستیز هم ندارد. از این‌رو، راقم این سطور عنوان یادداشت حاضر ر یک کشته و ۹۰ میلیون زخمی را از تراوش فکری کسی که او را نمی‌شناسد، وام گرفته؛ چراکه آن را باسماترین یافته است.

بسماد انسان‌های زخم‌دیده از این رویداد از آن‌رو به شمار جمعیت کشورمان است که جمهور مردم تحت تأثیر تالی فاسد آن قرار گرفته است. ترور را ایجاد وحشت گفته‌اند. این جنایت همکار را فارغ از تعلق‌شان به هر دهک درآمدی وحشت‌زده کرده، به اعتماد عمومی ضربه زده و آبرو از کشور برده است؛

به همه مسافربران اینترنتی و غیراینترنتی جفا روا داشته و این فشر زحمتکش را به ناحق ملکوک کرده است و ...

۴ صفحه ادامه‌در

۴ صفحه